

بسم الله الرحمن الرحيم

عهد معهود

درس گفتارهایی از: مسعود بسیطی

با اهتمام: زهرا مرادی

در دوره‌ی «عهد معهود» با حقایقی از آفرینش آدم علیه السلام و فلسفه‌ی آفرینش آدمی به روایت هدایتگران آسمانی آشنا خواهید شد. همچنین در این دوره، از عهدی که آدم علیه السلام با خداوند متعال می‌بندد سخن خواهیم گفت؛ عهدی که قرار می‌شود تمامی بنی آدم - از جمله من و شما - تا قیام قیامت به آن پایبند بمانند!

درس دوم: خلقت آدم علیه السلام

در جلسه‌ی گذشته به این موضوع اشاره شد که خداوند اراده فرمود تا بر روی زمین جانشینی برای خود قرار دهد و ملائک را از این امر مطلع فرمود. اما برخی فرشتگان که پیشتر شاهد زندگی موجوداتی زمینی بودند و فساد و خونریزی آنها را دیده بودند، معترضانه به خدا پیشنهاد کردند تا این خلیفه را از میان ملائک برگزیند. خداوند به فرشتگان گفت من به چیزی علم دارم که شما از آن بی‌خبرید؛ همانا من قصد دارم برترین بندگانم را در این دوره و از نسل مخلوقی که او را از گِل خلق خواهم نمود بر روی زمین جانشین خود سازم. سپس خداوند حکیم آدم علیه السلام را از خاک آفرید و از روحش در کالبد وی دمید.

سوالی که در جلسه‌ی گذشته مطرح شد این بود که: آیا خداوند روح دارد؟ آیا می‌توان به خدای متعال چنین نسبت دهیم که از روح تشکیل شده است؟ خدایی که مانند هیچ یک از مخلوقاتش نیست و درباره‌ی چیستی و ماهیت و جنس او نمی‌توان سخن گفت؟

در این جلسه به پاسخ این سوال می‌پردازیم:

آیا خداوند روح دارد؟!

امیر مومنان به عنوان مربی الهی به آدمی چنین تذکر می‌دهند که:

"هر کس بخواهد با نیروی فکر خود خدا را توهم نماید در حقیقت به سراغ خدا نرفته ... هرکس بگوید «خدا چگونه است؟» او را به مخلوقاتش همانند ساخته است. [در حالی که **لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ**] ... و هر کس برای خدا اجزاء تصور کند، او را [در حد تصورات بشری] وصف نموده و هر کس او را وصف نماید، کارش به کفر می‌انجامد."^۱

^۱ قرآن کریم، سوره شوری، آیه ۱۱.

^۲ "وَلَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ۚ يُدْرِكُ الْبَاطِنَ ۚ وَمَنْ جَزَّاهُ فَقَدْ وَصَّاهُ ۚ وَمَنْ وَصَّاهُ فَقَدْ أَلْحَدَ فِيهِ ۚ" تحف العقول، ص ۶۲ و ۶۳.

پس چگونه می‌توان گفت خداوند از روح تشکیل شده است؟ و چگونه می‌توان باور نمود که خدا بخشی از روح خود - یعنی بخشی از وجود خودش - را در کالبد آدمی قرار داده باشد؟!

با مراجعه به مربیان الهی که علم قرآن در سینه‌ی ایشان است و از این رو مفسران و تبیین کنندگان حقیقی کلام وحی هستند^۲ در می‌یابیم: مقصود خدا از آیه‌ی «نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي»^۳ این نبوده که خدا از وجود خود در درون آدم قرار داده؛ بلکه خداوند روحی را خلق کرده و از آن روح که مالک و خالقش بوده در کالبد آدم قرار داده است. اگر گفته شده «رُوحِي» از آن جهت است که:

- اولاً: عرب وقتی بخواهد مالکیت خود را نسبت به چیزی اعلام کند از «ی مالکیت» استفاده می‌کند. مثلاً «قلم من» به زبان عربی می‌شود «قَلَمِي» یا «ساعت من» می‌شود «سَاعَتِي».
- ثانياً: به جهت اعلام شرافت ویژه‌ای که آن روح بر سایر ارواح پیدا کرده بود، خداوند آن را اینچنین به خود منتسب فرمود؛ همچنانکه تمامی اماکن روی زمین مملوک و مخلوق خدا هستند اما خداوند تنها یکی از آنها را که شرافت ویژه‌ای دارد به خود منتسب کرده و درباره‌اش فرموده «بَيْتِي» (خانه‌ی من)^۴
- به کلام امام صادق - ششمین جانشین و مفسر حقیقی قرآن پس از رسول خاتم - در تبیین آیه‌ی فوق توجه بفرمایید:

"خداوند ... روحی را آفرید، آنگاه به فرشته‌ای دستور داد آن روح را در کالبد [آدم (ع)] بدمد، نه اینکه بعد از نفخ، چیزی از خدای متعال کم شده باشد^۵... آن روح را به خود نسبت داد، چرا که آن را بر ارواح دیگر برگزید، همان گونه که به خانه‌ای از میان همه‌ی خانه‌ها فرمود: خانه‌ی من (که کعبه است) و نسبت به پیغمبری از میان پیامبران فرمود: خلیل من (حضرت ابراهیم علیه السلام) و مانند اینها و همه‌ی اینها آفریده، ساخته شده، پدید آمده، پروریده و تدبیر شده هستند." ۷

بنابراین اینکه عده‌ای معتقدند خداوند از روح خود - یعنی بخشی از وجود خود - در آدم نهاد؛ و از آن پس آدمی به روح خداوندی متبرک و دارای شرافتی ویژه گردید؛ آنچنان که اشرف مخلوقات گردید و ... افسانه‌ای بیش نیست. افسانه‌ای مغایر با اعتقادات صحیح توحیدی!

عقل چنین حکم می‌کند که داستان خلقت آدم علیه السلام را از زبان فرستادگان الهی که به منبع وحی وصل هستند، بشنویم:

^۲ به فراگیران عزیز توصیه می‌گردد حتماً درس نامه‌ی «تبیین قرآن» را که در بخش [درسنامه‌های سایت محمد \(ص\)](#) ارائه گردیده مطالعه فرمایند. در دوره‌ی «تبیین قرآن» درباره‌ی اینکه چه کسانی به علم قرآن اشراف دارند و مفسر و مبین حقیقی قرآن دانسته می‌شوند، به تفصیل توضیح داده شده است.

^۳ قرآن کریم، سوره حجر، آیه ۲۹.

^۴ پاسخ این شبهه در بخش [شبهات روز سایت محمد \(ص\)](#) قسمت [شبهات توحیدی](#) با تفصیل بیشتری بیان شده است.

^۵ فی قوله «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» (سوره حجر، آیه ۳۹) قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ خَلْقًا وَ خَلَقَ رُوحًا ثُمَّ أَمَرَ مَلَكًا فَتَفَخَّ فِيهِ فَلَيْسَتْ بِالَّتِي نَفَخْتُ مِنْ قُدْرَةِ اللَّهِ شَيْئًا هِيَ مِنْ قُدْرَتِهِ: توحید صدوق، ص ۱۷۲؛ تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۲۴۱. (ذیل همین آیه)؛ بحارالانوار، ج ۴، ص ۱۲؛ تفسیر برهان، ج ۳، ص ۲۶۴. (ذیل همین آیه)

^۷ "سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» (سوره حجر، آیه ۳۹): كَيْفَ هَذَا النَّفْخُ؟ فَقَالَ: «إِنَّ الرُّوحَ ... إِنَّمَا أَصَافُهُ إِلَى نَفْسِهِ لِأَنَّهُ أَصْطَفَاهُ عَلَى سَائِرِ الْأَرْوَاحِ، كَمَا قَالَ لِبَيْتٍ مِنَ الْبُيُوتِ: بَيْتِي، وَ لِرَسُولٍ مِنَ الرُّسُلِ: خَلِيلِي، وَ أَشْبَاهَ ذَلِكَ، وَ كُلُّ ذَلِكَ مَخْلُوقٌ، مَصْنُوعٌ، مُحَدَّثٌ، مَرْبُوبٌ، مُدَبَّرٌ»: کافی، ج ۱، ص ۳۲۷ و ۳۲۸؛ توحید صدوق، ص ۱۷۱؛ تفسیر برهان، ج ۳، ص ۲۶۳. (ذیل همین آیه)

خداوند، آدم علیه السلام را از گِل آفرید و روحی را که آن نیز خلق شده توسط خدا بود، در کالبد آدم قرار داد. آنگاه به آدم علیه السلام اسامی و مشخصات برترین بندگانش را که قرار بود از صُلب او به دنیا بیایند یاد داد. سپس ارواح **برگزیده‌ترین** آنها را به ملائک نشان داد و فرمود شما که ادعا می‌کردید بر جانشینی من سزاوارترید، آیا می‌دانید اینانی که برای خلافت خود بر زمین و مخلوقاتم برگزیده‌ام چه کسانی هستند؟^۹

^۸ خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: "وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا" یعنی: [خداوند] به آدم همه‌ی اسامی (الْأَسْمَاءَ) را یاد داد: قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۳۱. امام حسن عسکری - یازدهمین جانشین و مبین قرآن پس از رسول خاتم - در تفسیر و تبیین این آیه می‌فرماید: "... ثُمَّ قَالَ وَ عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا أَسْمَاءَ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ أَسْمَاءَ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحُسَيْنِ وَ الْحُسَيْنِ الطَّيِّبِينَ مِنْ آلِهِمَا وَ أَسْمَاءَ رَجَالٍ مِنْ خِيَارِ شِيعَتِهِمْ وَ عَصَاةٍ أَغْدَانَهُمْ - ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَرَضَ مُحَمَّدًا وَ عَلِيًّا وَ الْأَئِمَّةَ - عَلَى الْمَلَائِكَةِ ... فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ... قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا ... فَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى - يَا آدَمُ أَنْبِئْ هَؤُلَاءِ الْمَلَائِكَةَ بِأَسْمَائِهِمْ [وَ] أَسْمَاءِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْأَئِمَّةِ ع - فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ عَرَفُوهَا أَخَذَ عَلَيْهِمُ الْعَهْدَ وَ الْمِيثَاقَ بِالْإِيمَانِ بِهِمْ وَ التَّفْضِيلِ لَهُمْ" یعنی: مراد از اسماء که در آیه و عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا بیان شده اسامی انبیاء الهی و اسم محمد صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام و فاطمه و حسن و حسین و پاکان از نسل ایشان (نه امام از ذریه حسین علیه السلام) و اسامی برترین شیعیان ایشان و بدترین دشمنان آنها بود. سپس خداوند [انوار] محمد صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام و ائمه را بر فرشتگان عرضه داشت ... و فرمود اگر راست می‌گویید اسامی اینان را [که به شما عرضه داشتیم] بگویید ... ملائک گفتند پاک و منزهی؛ ما جز آنچه خود ما را تعلیم داده‌ای نمی‌دانیم. پس خداوند فرمود ای آدم به این فرشتگان، اسامی آنها یعنی اسامی پیغمبران و ائمه را خبر بده. چون اسامی را خبر داد ایشان [آنانی که خداوند بر ملائک عرضه داشت یعنی رسول خاتم و ائمه اطهار] را شناختند و خداوند از فرشتگان عهد و پیمان گرفت مبنی بر اینکه به پیغمبران و ائمه ایمان داشته باشند و محمد صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه هدی را از همه‌ی آنها برتر بدانند: تفسیر برهان، ج ۱، ص ۱۶۴. ذیل آیات ۳۰ تا ۳۳ سوره بقره. ؛ بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۱۱۷ و ۱۱۸. ؛ متن فارسی این حدیث در تفسیر جامع، ج ۱، ص ۱۳۱ نیز آورده شده است.

^۹ "ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ": قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۳۱. و با استناد به این بخش از کلام امام حسن عسکری در پاورقی پیشین که فرمودند: "... ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَرَضَ مُحَمَّدًا وَ عَلِيًّا وَ الْأَئِمَّةَ - عَلَى الْمَلَائِكَةِ ... فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ... " یعنی: سپس خداوند [انوار] محمد صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام و ائمه را بر فرشتگان عرضه داشت ... و فرمود اگر راست می‌گویید اسامی اینان را [که به شما عرضه داشتیم] بگویید: بنگرید به پاورقی شماره ۸. ؛ همچنین امام صادق - ششمین جانشین و مبین قرآن پس از رسول خاتم - نیز در این باره چنین می‌فرماید: "إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَّمَ آدَمَ عَ أَسْمَاءَ خَلْقِ اللَّهِ كُلِّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ وَ هُمْ أَرْوَاحٌ عَلَى الْمَلَائِكَةِ - فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ أَنْتُمْ أَحَقُّ بِالْخِلَافَةِ فِي الْأَرْضِ لِتَسْبِيحِكُمْ وَ تَقْدِيسِكُمْ مِنْ آدَمَ - قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ وَقَفُوا عَلَى عَظِيمٍ مِنْزِلَتِهِمْ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ فَعَلِمُوا أَنََّّهُمْ أَحَقُّ بِأَنْ يَكُونُوا خُلَفَاءَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ حُجَجَهُ عَلَى بَرِيَّتِهِ ثُمَّ غَيَّبَهُمْ عَنْ أَبْصَارِهِمْ وَ اسْتَعْبَدَهُمْ بِوَلَايَتِهِمْ وَ مَحَبَّتِهِمْ ..." یعنی: خداوند به آدم (ع) اسامی حجت‌های خود را تعلیم نمود. سپس آنها را که ارواحی بودند بر فرشتگان عرضه داشته و به ایشان فرمود اگر راست می‌گویید که شما سزاوارترید به خلافت روی زمین نسبت به آدم به سبب تسبیح و تقدیس‌تان، اسماء ایشان (این ارواح) را بیان کنید. فرشتگان گفتند ما نمی‌دانیم و علم و دانش ما منحصر به همان علوم می‌است که خود به ما یاد داده‌ای. خداوند تبارک و تعالی به آدم فرمود اسامی ایشان (ارواح طیبه) را به آنها (ملائک) اعلام نماید و چون آدم اسامی آنها را به فرشتگان اعلام کرد ملائکه به بزرگی منزلت ایشان (آن حجت‌های الهی که ارواح شان به ملائک عرضه شد) نزد خدای متعال پی بردند و فهمیدند که آنها (حجت‌های الهی) سزاوارتر هستند که جانشینان خدا بر روی زمین و حجت او بر خلائق باشند. سپس ارواح [طیبه معصومین] را از نظر فرشتگان پنهان نموده و بدیشان امر فرمود محبت و ولایت ایشان (اهل بیت) را دارا باشند: تفسیر برهان، ج ۱، ص ۱۶۴ و ۱۶۵. ذیل آیات ۳۰ تا ۳۳ سوره بقره. بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۱۴۵. ؛ متن فارسی این حدیث در تفسیر جامع، ج ۱، ص ۱۳۱ و ۱۳۲ نیز آورده شده است.

فرشتگان پاسخ دادند ما جز آنچه خود به ما تعلیم فرموده‌ای چیزی نمی‌دانیم.^{۱۰} خداوند به آدم علیه السلام امر فرمود به فرشتگان خبر دهد که آنان که قرار است از ذریه او پای به زمین بگذارند چه کسانی هستند. آدم علیه السلام نیز ایشان را با صفات و ویژگی‌ای که داشتند به فرشتگان معرفی کرد. به واسطه‌ی این معرفی، فرشتگان به مقام و منزلت آن بزرگواران پی بردند و دانستند که این افرادی که خدا ایشان را برگزیده قطعاً برای خلافت بر زمین سزاوارتر از ملائک هستند.^{۱۲}

از این رو فرشتگان با خدا عهد بستند به تمامی هدایتگرانی که از نسل آدم علیه السلام پای بر زمین خواهند گذاشت، ایمان بیاورند و پیامبر خاتم و ۱۲ جانشین ایشان را به برتری نسبت به همه‌ی پیامبران، بلکه همه‌ی مخلوقات قبول داشته باشند و نسبت به ایشان محبت بورزند.^{۱۳}

سپس خداوند به جهت تکریم پیامبر خاتم و ائمه‌ی اطهار که در صُلب آدم جای می‌گرفتند به ملائک امر به سجده نمود. بنابراین، سجده‌ی ملائک بر آدم علیه السلام **نخست** به دلیل اطاعت از فرمان الهی و **دوم** به سبب اکرام و بزرگداشت پیامبر خاتم و ۱۲ جانشین ایشان بود که در صلب آدم علیه السلام قرار گرفته بودند. رسول خاتم در این باره می‌فرماید:

"خداوند آدم علیه السلام را خلق کرد و ما را در صُلب آدم مستقر نمود و به ملائک هم امر فرمود برای بزرگداشت و احترام به ما بر آدم [که ما در صُلب او بودیم] سجده کنند. پس سجده‌ی ملائک برای عبودیت خدا و برای اکرام و بزرگداشت ما بود که در صلب آدم بودیم."^{۱۴}

^{۱۰} "قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ" یعنی: پاک و منزهی [ای خدا]؛ ما جز آنچه تو خود به ما یاد داده ای علم دیگری نداریم. همانا تو علیم و حکیم هستی: قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۳۲.

^{۱۱} "قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ" یعنی: گفت ای آدم به آنها (فرشتگان) اسامی ایشان را خبر ده: قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۳۳. همچنین بنگرید به تبیین این آیه از زبان امام حسن عسکری در پاورقی شماره ۸.

^{۱۲} اشاره به این قسمت از کلام امام صادق که در پاورقی شماره ۹ بدان اشاره شد: "... قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ وَقَفُوا عَلَى عَظِيمٍ مَنَزِلَتِهِمْ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ فَعَلِمُوا أَنََّّهُمْ أَحَقُّ بِأَنْ يَكُونُوا خُلَفَاءَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ حُجَجَهُ عَلَى بَرِيَّتِهِ ..." یعنی: خداوند تبارک و تعالی به آدم فرمود اسامی ایشان (ارواح طیبه) را به آنها (ملائک) اعلام نماید و چون آدم اسامی آنها را به فرشتگان خبر داد ملائکه به بزرگی منزلت ایشان (آن حجت های الهی که ارواح شان به ملائک عرضه شد) نزد خدای متعال پی بردند و فهمیدند که ایشان (آن حجت های الهی) سزاوارتر هستند که جانشینان خدا بر روی زمین و حجت او بر خلائق باشند: بنگرید به حدیث امام صادق در پاورقی شماره ۹.

^{۱۳} اشاره به این قسمت از کلام امام حسن عسکری که در پاورقی شماره ۸ بدان اشاره شد: "... فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ عَزَفُوهَا أَخَذَ عَلَيْهِمُ الْعَهْدَ وَ الْأَمِيثَاقَ بِالْإِيمَانِ بِهِمْ وَ التَّقْضِيلِ لَهُمْ" یعنی: چون اسامی را خبر داد ایشان [آنانی که خداوند بر ملائک عرضه داشت یعنی رسول خاتم و ائمه‌ی اطهار] را شناختند و خداوند از فرشتگان عهد و پیمان گرفت مبنی بر اینکه به پیغمبران و ائمه ایمان داشته باشند و محمد صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه هدی را از همه‌ی آنها برتر بدانند: بنگرید به حدیث امام حسن عسکری در پاورقی شماره ۸. ؛ همچنین امام صادق علیه السلام نیز در این باره می‌فرماید: "... فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ وَقَفُوا عَلَى عَظِيمٍ مَنَزِلَتِهِمْ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ فَعَلِمُوا أَنََّّهُمْ أَحَقُّ بِأَنْ يَكُونُوا خُلَفَاءَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ ... ثُمَّ ... اسْتَعْبَدَهُمْ يَوْلَايَتِهِمْ وَ مَحَبَّتِهِمْ ...". و چون آدم اسامی آنها را به فرشتگان اعلام کرد ملائکه به بزرگی منزلت ایشان (آن حجت های الهی که ارواح شان به ملائک عرضه شد) نزد خدای متعال پی بردند و فهمیدند که آنها (حجت های الهی) سزاوارتر هستند که جانشینان خدا بر روی زمین ... باشند. سپس [خداوند] بدیشان امر فرمود محبت و ولایت ایشان (اهل بیت) را دارا باشند: بنگرید به حدیث امام صادق در پاورقی شماره ۹.

اما در این میان ابلیس از اطاعت امر خداوند سر باز زد و بر آدم علیه السلام سجده نکرد.^{۵۰} در جلسه‌ی آینده به اینکه چرا ابلیس از این کار شانه خالی کرد و به سبب تمرد از فرمان الهی چه عاقبتی نصیبش شد صحبت خواهیم نمود.

نکات مهم این جلسه

- مقصود از آیه‌ی **نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي** این نیست که خداوند از روح، تشکیل شده و بخشی از وجود خود را در آدم دمیده است. بلکه خداوند متعال روحی را خلق کرد و بدان شرافتی ویژه بخشید. سپس به فرشته‌ای امر فرمود آن را در کالبد آدم علیه السلام قرار دهد. بنابراین از آن جهت درباره‌ی آن فرمود **رُوحِي** (روح من) که اولاً مالک و خالقش بود، ثانیاً آن را از میان سایر ارواح برگزیده بود.
- خداوند، رسول خاتم و ۱۲ جانشین ایشان را در صُلب آدم علیه السلام وارد نمود.
- به سبب تکریم و بزرگداشت مقام رسول خاتم و ائمه که در صُلب آدم جای گرفته بودند، فرشتگان امر شدند بر آدم علیه السلام سجده کنند.
- فرشتگان فرمان خدا مبنی بر سجده بر آدم علیه السلام به جهت تکریم اهل بیت علیهم السلام را اطاعت کردند. سپس با خداوند عهد بستند به تمامی هدایتگرانی که از نسل آدم علیه السلام پای بر زمین خواهند گذاشت، ایمان بیاورند و پیامبر خاتم و ۱۲ جانشین ایشان را به برتری نسبت به همه‌ی پیامبران، بلکه همه‌ی مخلوقات قبول داشته باشند و نسبت به ایشان محبت بورزند.

^{۱۴} "إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى خَلَقَ آدَمَ فَأَوْدَعَنَا صُلْبَهُ وَ أَمَرَ الْمَلَائِكَةَ بِالسُّجُودِ لَهُ تَعْظِيماً لَنَا وَ إِكْرَاماً وَ كَانَ سُجُودُهُمْ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عُبُودِيَّةً وَ لِآدَمَ إِكْرَاماً وَ طَاعَةً لِكُونِنَا فِي صُلْبِهِ"؛ عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۶۲ و ۲۶۳؛ بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۱۴۰.

^{۱۵} "وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ" یعنی: و [یاد کن] هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: «آدم را سجده کنید»، پس [همه] جز ابلیس سجده کردند، که از [گروه] جن بود: قرآن کریم، سوره کهف، آیه ۵۰.